
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

تحولات سیاسی اجتماعی ایران (از مشروطیت تاکنون)

«علوم سیاسی و روابط بین الملل»

مولفان: فرهاد دلیری – سعیده عبدالله زاده

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی که شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای داوطلبان عزیز را پوشش داده است. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

با استعانت از خداوند متعال تمام تلاش خود را به کار گرفتیم تا مجموعه‌ای مناسب را که شایسته و در خور نام دانشجوی ایرانی باشد تقدیم می کنیم، در این مجموعه براساس نیازهایی که احساس می شد سعی شده که مجموعه‌ای کامل از نکات کلیدی در آزمون کارشناسی ارشد جمع آوری شود، همانگونه که مستحضر هستید منابع آزمون کارشناسی ارشد درس تحولات سیاسی و اجتماعی ایران نامحدود و متعدد هستند و بر این اساس سعی شده از منابع اصلی و شناخته شده این ماده آزمونی مهمترین نکات برداشت و به حضور شما عزیزان دانشجو تقدیم گردد.

اصل مهم در هر آزمونی یادگیری و تکرار دفعات مطالب برای آن آزمون است. در این کتاب سعی شده که رویدادها و موارد مهم به دفعات و در فصول گوناگون تکرار شود که باعث تحکیم یادگیری در شما عزیزان شود.

این کتاب به چهار عصر تقسیم شده است و در هر فصل خصوصیات و رویدادهای آن عصر شرح داده شده است. تلاش بر این بوده است که چهارچوبی مفهومی از مطالب برای شما رسم شود که باعث یادگیری بهتر شود. همچنین چهارچوب هر فصل به این صورت است که ابتدا شرح جامعه‌ای از رویدادهای آن عصر داده می‌شود و سپس نگاهی اجمالی به رویدادهای مهم آن فصل به صورت نکته وارد می‌شود و در پایان هر فصل هم تستهای سالهای گذشته و تألیفی آورده شده تا شما عزیزان را بیشتر با نحوی آزمون آشنا کنیم.

در پایان از خداوند متعال و تلاش های بی دریغ پدر ، مادر و همسر عزیزم که در فراهم آوردن این کتاب ما را یاری کردن تشکر و قدردانی می‌کنیم .

با سپاس

فرهاد دلیری، سعدیه عبداله زاده

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ناشر ۳
پیشگفتار مولف ۴

فصل اول: عصر مشروطیت

جنبش مشروطیت ۹
ویژگیهای مشروطه گرایی ۹
زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه ۹
حوادث و رویدادهای مربوط به انقلاب مشروطیت ۱۴
قیام ستارخان و باقرخان و احیای مشروطیت ۱۹
پیامدهای انقلاب مشروطه ۲۰
نگاه اجمالی به عصر مشروطه ۲۱
تست‌های آخر فصل ۲۶
پاسخ تست های آخر فصل ۲۸
تست‌های تالیفی ۳۰
پاسخ تست های تألیفی ۳۳

فصل دوم: عصر رضاشاه

زمینه های کودتای ۱۲۹۹ (رضاخان) ۳۷
رضاخان، رضاشاه میشود ۴۰
پایه های قدرت رضاشاه ۴۲
مدر نیزاسیون رضاشاهی- عملکرد ۱۶ ساله رضاشاه ۴۴
نتیجه گیری ۴۷
نگاه اجمالی به عصر رضا شاه ۴۷
تست‌های آخر فصل ۴۹
پاسخ تست های آخر فصل ۵۱

عنوان..... صفحه

فصل سوم: عصر محمد رضا شاه

مجلس سیزدهم – آغاز سلطنت محمد رضا شاه..... ۶۰
روابط خارجی محمد رضا شاه ۶۷
سیاست مستقل ملی ۶۹
خروج اشغالگران ۷۲
ملی شدن صنعت نفت ۷۵
کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش؛..... ۷۷
سیاست خارجی آمریکا ۸۱
سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای منطقه ۸۶
- سیاست خارجی ایران و اسرائیل ۹۱
- سیاست خارجی ایران و اتحادیه اروپا..... ۹۲
چکیده عصر محمدرضا شاه..... ۹۴
نخست وزیران عصر محمد رضا شاه ۹۸
تست‌های آخر فصل ۹۹
پاسخ تست های آخر فصل..... ۱۰۱
تست‌های تألیفی..... ۱۰۲
پاسخ تست های تألیفی ۱۰۵

فصل چهارم: عصر انقلاب اسلامی

گروهای دخیل در انقلاب اسلامی..... ۱۱۱
سازمان چریک‌های فدایی خلق..... ۱۱۱
نخبگان سیاسی عصر پهلوی ۱۲۶
سیاست خارجی جمهوری اسلامی ۱۳۴
مجالس قانون گذاری از مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب اسلامی(۱۳۵۷) ۱۴۰
- از مشروطه تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲؛..... ۱۴۳
تست‌های آخر فصل..... ۱۴۹
پاسخ تست های آخر فصل..... ۱۵۱
تست‌های تألیفی..... ۱۵۲
پاسخ تست های تألیفی ۱۵۵

فصل اول

عصر مشروطیت

عناوین اصلی

- جنبش مشروطیت
- ویژگیهای مشروطه گرایی
- زمینه های فکری انقلاب مشروطه
- حوادث و رویدادهای مربوط به انقلاب مشروطیت
- قیام ستارخان و باقرخان و احیای مشروطیت
- پیامدهای انقلاب مشروطه
- نگاه اجمالی به عصر مشروطه

فصل اول

عصر مشروطیت

جنبش مشروطیت

باید پذیرفت که مشروطیت یک پدیده غربی است و معـادل انگلیـسی مـشروطیت (Constitutionalism) کنستیتوشنالیـسم می‌باشد. اگرچه بسیاری تلاش داشتند تا در سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) ریشه‌های مشروطه‌خواهی را پیدا کنند و گفته‌اند مقوله بیعت ، شورا ، مشورت که بر سنت اسلامی است می تواند مبنای مشروطیت باشد. اما با این حال مشروطه‌گرایی جدید است و بیشتر در اروپا شکل گرفت و در جهان گسترش پیدا کرد و ویژگیهای عام دارد.

ویژگیهای مشروطه گرایی

۱- حکومت قانون
۲- تفکیک قوا
۳- آزادی مدنی
۴- نظارت مردم بر مقامات

ویژگیهای مشروطه گرایی باعث می‌شود تا از این طریق حمایت پادشاه از حکومت مطلقه به حالـت مـشروطه درآیـد از اینرو جنش مشروطیت نیز با همین اهداف به وجود آمد.

۱- حکومت قانون
۲- ایجاد مجلس و تفکیک قوا
۳- محدود شدن اراده پادشاه به قانون
۴- نظارت مردم بر عملکرد مقامات

زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه

به طور کلی هر تحول عملی در عرصه سیاست، ابتداً با فکر در عرصه سیاست لازم است یعنی تا نرم‌افـزار یعنـی فکـر نباشـد سخت‌افزار آن (واقعیتها) تولید نمی‌شود.

در بحث از زمینه‌های انقلاب مشروطیت معمولاً چهار جریان فکری را مطرح می‌کنند.

۱- جریان سیدجمال الدین اسدآبادی جریان اتحاد جهان اسلام
۲- جریان میرزا ملکم‌خان تحت عنوان جریان لیبرالیستی
۳- جریان طالبوف تبریزی تحت عنوان جریان شبه مارکیستی

۴- جریان آخوندزاده مشهور به جریان ناسیونالیستی

بی تردید این چهار جریان به شکل‌گیری انقلاب مشروطیت کمک کردند . یکی از موضوعات مهم در تحولات ایران که با جنبش مشروطیت ملازمه است و شناخت مشروطیت با شناخت آن همراه است بحث جریان فراماسونریت می‌باشد. و پیش از آنکه آن چهار جریان فکری را بررسی کنیم جریان فرماسونری را بررسی خواهیم کرد.

فرماسونری به معنای بنای آزاد است . این جریان به لحاظ ریشه‌ای، عده‌ای با حضرت آدم و عده‌ای دیگر به حضرت سلیمان رأی می‌دهند با این حال در کتابهای جدید ریشه این جریان به ضرورت حفظ اسرار و مهارتهای حرفه‌ای در میان بناهای ساختمان قرون وسطی برمی‌گردد.

در این مقطع بناهای ساختمان چون دارای تخصصی در ساختن ساختمانهای به سبک گوتیک بودند ونمی‌خواستن این حرفه‌ی آنها در اختیار دیگران قرار گیرد و دیگران بر رمز و کار آنها آشنا شوند سعی میکردند تا اسرار حرفه‌ای خود را حفظ کنند .از اینرو آنها همه ساله در مکانی جمع می‌شوند وبه تبادل نظر می‌پرداختند و انجمنی را تشکیل دادن به نام فرماسونری.

آنها در سراسر جهان فعالیت می‌کردند و مرزها را به رسمیت نمی‌شناختند . با آغاز عصر جدید و زوال معماری سبک گوتیک و آغاز معماری سبک جدید انجمن بنای آزاد از بین رفت. اما روشهای آنها به حوزهای سیاسی اروپا کشیده شد.

و بدین سان انجمنهای فرماسونری با محتوای سیاسی شکل گرفت و عنوان فرماسونری و روش آنها مورد استفاده قرار گرفت.

تحول فرماسونری از معماری به سیاست همزمان بود با انقلابهای صنعتی انگلیس و فرانسه از این رو به جای ساختمان سازی حوزه فعالیت فرماسونری دو مسئله شد؛

الف) دموکراسی و مبارزه با فئودالیسم وکلیسا و در مقابل دفاع از طبقه برژوازی جدید که جزو طبقه متوسطه بودن و در مقابل اشراف قرار می‌گرفتن.

ب) عمل کردن به عنوان سفرای پنهانی انگلستان در نقاط مختلف جهان .

انگلستان هم حامی فرماسونری بود در سال ۱۸۱۷ میلادی لُژ بزرگ متشکل از انجمنهای متعدد فرماسونری اروپا تشکیل شد و بدین سان آنها قانون اساسی برای خود نوشتن و همه مجبور شدن که از آن قانون تبعیت کنند.نهضت فرماسونری اروپا بر این مبنا در جهان گسترش یافت و اگر انجمن فرماسونری در کشوری می بایست تأسیس شود باید از لژ لندن اجازه می‌گرفت.

فرماسونری سعی در گسترش وجهه دینی داشت و نوعی فرهنگ التقاطی را رواج می‌داد . در هر منطقه‌ای از جهان خود را به شکل مردمان همان جا در می‌آوردند در مناطق یهودی نشین به بنی اسرائیل توجه می‌کردند و در مصر لباس فراعنه را می‌پوشید و در ایران به آئین زرتشت نزدیک می‌شدند. و هدف آنها این بود که مخالفتهای عمومی را کنترل کنند در ایران به علت نفوذ بالای ارزشهای مذهبی واینکه ایران مستعمره نشده بود فرماسونری با تأخیر توانست نفوذ کند.

برای فعالیت فرماسونری در ایران چهار دوره را در نظر می‌گیرند؛

۱- از آغاز تا رضاشاه - در این دوره دو سنت فرماسونری در ایران شکل گرفت

۱-۱ سنت میرزا ملکم‌خان که نفی کامل سنت ودر مقابل دفاع کامل از تجدد بود.

۱-۲ سنت سیدجمال الدین‌اسدآبادی که نوعی تجدد تعدیل شده بر مبنای اعتقادات مذهبی بود. این دوره فرماسونری با مفاهیم چون آزادی‌خواهی - قانون‌خواهی و گسترش مشروطیت رغبت نشان می‌داد.

۲- از رضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲بود- فطرت جریان فرماسونری؛ اگرچه بعضی از فرماسونرها در دستگاهای حکومتی بودند.

۳- از ۲۸ مرداد تا انقلاب ۱۳۵۷ - دوره اوج گیری فرماسونری ، شخصیتهای مانند شریف امامی ، علم ، منصور ، اقبال ، هویدا ، به نخست وزیری می‌رسند که همگی فرماسون بودند.

۴- بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ - که گفته می‌شود دوره مجدد تعطیلی فرماسونری است .

بیشتر با دوره اول سروکار داریم که این دوره همراه است با برژوازی صنعتی اروپا؛ نو اندیشه های برآمده از انقلاب فرانسه به ایران و نیز گسترش ارتباطات ایرانیان با اروپاییان است.

اولین عضو فرماسونری در ایران عسکرخان می‌باشد. که عاقد قرارداد فین کنشتاین بودند. بعد از او میرزا ابوالحسن خان ایلجی اولین سفیر ایران در انگلیس بود او رسالت داشت تا در ایران کادرسازی سیاسی بکند . پس از او گروهی از ایرانیان برای تحصیل به اروپا اعزام شدن از جمله میرزا صالح شیرازی - جعفرخان فرهانی می توان نام برد که جذب لژ لندن شدند.

و سپس بسیاری از افراد متعلق به خاندان قاجار وارد لژهای فرماسونری می شدند آنها عمدتاً فاقد مبانی فکری مستحکمی بودند و بیشتر شیفته ظواهر غرب شده بودند درایران فرماسونری بیشتر با نام میرزا ملکم‌خان همراه است او پس از سالها زندگی در استانبول و لندن با تمدن غرب آشنا شد و با تأسیس فراموش خانه اولین شبکه فرماسونری را در ایران بنا نهاد.

فرماسونری در ایران هم دو بعد داشت: .

۱- کمک به گسترش دمکراسی به سبک غربی

۲- تأمین منافع انگلستان

زمینه های مشروطیت

از ابتدا بر آن خواهیم بود تا محیط نظام بین المللی را که مشروطیت در آن اتفاق افتاد مورد بحث بگذاریم . با گسترش فرماسونری در ایران شاهد هستیم که از محیط بیرون؛ از یک طرف الگوهای رفتاری نا آشنا به جامعه ایران وارد می‌شود و از طرف دیگر شاهدیم که کالاهای جدید هم به داخل جامعه ایران وارد می‌شوند یعنی کالاهای فکری؛ روزنامه ـ قانون ـ مجلس ـ آزادی زنان کالاهای اقتصادی همانند تکنولوژیها ـ مدلهای صنعتی- ماشین آلات نیز به جامعه ایران سرایت پیدا می‌کند.

الف) ورود این کالاهای فکری و اقتصادی که متأثر از انقلاب فرانسه وانقلابهای اروپا بود و در آنجا یعنی غرب به زوال نظام‌های اشرافی و محدود شدن قدرت پادشاه انجامیده بود با داخل شدن به جامعه ایران واکنشهای را در داخل در پی داشت؛ اولین واکنش در ایران به وسیله عباس‌میرزا - امیرکبیر - سپهسالار صورت گرفت . که آنها در صدد ایجاد اصلاحات اداری و نظامی در جامعه ایران بودند.

ب) دومین واکنش به این تحولات، گسترش روزنامه در ایران بود. از روزنامه کاغذ اخبار تا وقایعه اخیر تا روزنامه‌های دیگر این روزنامه‌ها نقش مهمی در گسترش زمینه های مشروطیت داشتند . در خارج روزنامه‌های مثل اختر - قانون- حول المطین حکمت- ثریا- نقش بسیار مهمی در پرورش ایده مشروطیت در ایران داشتند .

ج) بعد سوم- الگوهای زندگی غربی و مظاهر زندگی غربی مانند بیمارستان - راه‌آهن- تلفن- عکس یا آداب اجتماعی مانند قهوه نوشیدن- سیگار کشیدن یا مسائلی مانند پلیس- مدرسه - صنعت چاپ و غیره بود که در نتیجه تماس ایرانیان با غرب گسترش پیدا کردند.

د) از بعد دیگر تحمیل دو قرارداد گلستان - ترکمنچای و شکست از روسیه و در مقابل شکست روسیه از ژاپن زمینه را برای طرح چنین چراهای در خصوص ماهیت سیاست و قدرت در جامعه ایران فراهم کرد.

بدین سان مجموعه ای از مسائل اعم از اقتصادی - فرهنگی – امتیازات، سؤالات مهمی را در ذهن نخبگان جامعه ایران پروراند امثال عباس میرزا و امیرکبیر چاره را در اصلاح عموم با حفظ چارچوبهای موجود دیدند اما چون راه اصلاح به موفقیت نینجامید. مسیر انقلاب انتخاب شد و به انقلاب مشروطیت منجر گردید .

زمینه های فکری چهارگانه‌ی انقلاب مشروطیت

الف) جریان لیبرالیستی- میرزا ملکم خان-

میرزا ملکم‌خان فرزند میرزا یعقوب متولد اصفهان بودن تحصیلات خود را در فرانسه گذرانده بود و بعد از بازگشت به ایران همانند انگلستان؛ فراموش خانه را در ایران تأسیس کرد که ابتدا با استقبال ناصرالدین‌شاه روبرو شد و پس از مدتی با نگاهی تردید آمیز به عملکرد آن میرزا ملکم‌خان را از دستگاهای دولتی دور و به تبعید (لندن) فرستاد در آن موقع سفیر ایران در لندن سپهسالار بود و به تشویق سپهسالار، او روزنامه قانون را در لندن منتشر کرد .

پس از بازگشت مجدد به ایران در صدد بست و گسترش اندیشه‌های خود بر آمد و اولین خواسته‌ها یا نظریه‌های خود را تحت عنوان رساله تنظیمات منتشر کرد.و این رساله که در آن ضرورت محدود کردن قدرت پادشاه و قانون گنجانده شده بود مورد استقبال شاه ایران قرار گرفت اما به تدریج که شاه ایران از محتوای اندیشه‌ی ملکم‌خان آگاه شد . تحت فشار بخشهای از جامعه ایران محدودیتهای را در فعالیت او اعمال نمود اما در هر حال می‌بینیم که ایده تشکیل مجلس مرکب از بزرگان قوم و علما و روحانیون در رساله تنظیمات ملکم‌خان بیان می‌گردد .

در هر حال میرزا ملکم‌خان که دو سال پس از استقرار مشروطیت در ایران فوت کرد (۱۲۸۸) یکی از کسانی بود که در فراهم نمودن زمینهای مشروطیت مؤثر واقع شد محور اعتقادات او را می‌توان در موارد زیر برشمرد؛

۱- اینکه او مدافع علوم تجربی بود از نظر او نگاه سنتی و فلسفی جوابگو مشکلات نیست و بایستی از علم اثباتی وتجربی برای حل مسائل کمک گرفت و بیان می‌داشت که پیشرفت غرب (انگلیس) محصول بهره‌گیری از علوم تجربی است .

۲- او به جدایی دین از سیاست اعتقاد داشت . دین حوزه معنویات و جهان آخرت است و سیاست حوزه مادیات ، دنیای ، رقابت و قدرت است و تلفیق این دو موجب تخریب هر دو می‌گردد.

۳- او راه خروج از بن بست وایجاد توسعه را در گسترش آزادی و اندیشه های لیبرالیستی و تفکیک قوا و تأسیس مجلس می‌دانست .

۴- وی به استفاده از مستشاران و کارشناسان خارجی برای اداره امور کشور اعتقاد داشت . او بر این عقیده بود که نیروهای داخلی توان اداره مملکت را ندارند و بایستی از توان خارجی بهره گرفت .

۵- او به اعزام گسترده دانشجویان ایرانی به خارج از کشور جهت فراگیری علوم اعتقاد داشت .

۶- از نظر او سرمایه لازم در داخل جهت اجرای پروژهای صنعتی وجود ندارد بنابراین برای راه اندازی و توسعه پروژهای صنعتی بایستی از سرمایه خارجی بهره گرفت . بنابراین بخش عمده امتیازاتی که به بیگانگان واگذار شد با توصیه او به سرانجام رسید .

ب)جریان اتحاد جهان اسلام- سید جمال الدین اسدآبادی -

در ارتباط با سید جمال بایستی اشاره کرد که او از جمله چهرهای بسیار مهم سیاسی وفکری آن مقطع از اسلام است و تقریباً در تمام مسائل جان اسلام مداخله می‌کرد و دست به پرورش شاگردان زیادی زد. در ارتباط با زندگی او اطلاعات دقیقی در دسترس نیست خود او خود را شهروند جهان اسلام می‌دانست اما بسیاری او را افغانی می‌دانند و لاکن اسناد معتبری وجود دارد که او را اهل اسدآباد همدان معرفی می‌کند، او زمانی به سید جمال افغانی مشهور شد که به عثمانی سفر کرد، تا پیش از این او اسدآبادی نامداشت اما چون به عثمانی رفت برای آنکه حساسیتها ار از خود دور کند خود را افغانی معرفی کرد .

۱- سید جمال به لحاظ اینکه بتواند در جهان اسلام نفوذ کلام لازم را بکند چندان در خصوص هویت ملی خود حرف نمی‌زد او یک شخص به معنای واقعی، غیر ملی است و وطن خود را جهان اسلام می‌دانست .

۲- نکته دیگر در مورد سید جمال اینکه او شخصیت دو بعدی داشت هم مسلمان معتقد بود وهم قائل به تفکرات روشنفکری از اینرو به راحتی می‌توانست بین روشنفکران و دینداران معتصب پل بزند. بر این اساس بود که او از یک طرف با شبکه فراماسونری و از طرف دیگر با علمای دین (شیرازی) ارتباط داشت پس می‌توانست بین این دو جریان ارتباط برقرار کند.

۳- نکته دیگر او معتقد بود که دنیای اسلام به طور بلقوه استعداد دستیابی به توسعه را دارد اما از نظر او چند پاره شدن امکانات و عدم وحدت بین مسلمین موجب تضعیف توان و انرژی مسلمانان شده است و با ایجاد وحدت می توان به توسعه دست یافت. از بعدی دیگر سید جمال صنعت و صنعتی شدن را لازمه زندگی برای جهان اسلام می دانست و بر آن بود که صنعت نقش اعضاء و جوارح را در بدن انسان دارد همان طوری که انسان بدون اعضاء قابل تصور نیست . جهان اسلام هم بدون تکنولوژی قادر به ادامه حیات نیست .

۴- نکته دیگر سید جمال انگلستان و سیاستهای استعماری اورا عامل اصلی تفرقه و به هدر رفتن امکانات در جامعه اسلامی می دانست. از نظر او وابستگی پادشاهان به استعمار انگلستان موجبات تزلزل و شکنندگی جهان اسلام را فراهم کرده است او بر آن بود که ارتباط بین استبداد داخلی و استعمار خارجی نقش مهم در عدم توسعه در جهان اسلام دارد از اینرو او به نفی استبداد داخلی از یک طرف و استبداد خارجی از طرف دیگر همت گذاشت و بر این اساس او به عنوان یکی از رهبران انقلاب مشروطه انتخاب شده است.

ج) جریان ناسیونالیستی- آخوندزاده

آخوندزاده مخالف ایدوئولوژی کردن دین بود وی مؤسس مجمع آدمیت بود این مجمع متشکل از افرادی با گرایشات ناسیونالیستی بود. ودر حوزه مطبوعات هم فعالیت داشت ، آخوندزاده با این مسئله که انسان سیاست را از دین استخراج می-کند مخالفت کرد . به لحاظ عملی خود را تابع احکام دینی می‌دانست . فردی معتقد و با ایمان بود . او دین را غیر ایدئولوژیک و غیرسیاسی پذیرفته بود در خصوص او بایستی به چند نکته اشاره کرد .

۱- او معتقد بود که ما به جای وحدت جهان اسلام بایستی به وحدت ملی بیندیشیم و از اینرو لازمه وحدت ملی نگاه غیر ایدئولوژیک به دین است . یعنی اینکه از نظر او دین ایدئولوژیک با وحدت ملی در تضاد است او مانند ملکم‌خان به اصالت علوم تجربی اعتقاد داشت وبر آن بود که استفاده از آن علوم زمینه ساز توسعه است و اوازیک طرف استبداد داخلی و از طرف دیگر تعصبات دینی را عامل عقب افتادگی ایران می‌دانست. او برای حل استبداد سیاسی مسئله تفکیک قوا و برای تعصبات دینی اصلاح فرهنگ جامعه را ضروری می‌دانست .

۲- وی بر عظمت ایران باستان تأکید داشت و بر آن بود که احیای این عظمت تاریخی می تواند راه برای توسعه علمی باز کند .

او آموزش و پرورش را زیر بنای توسعه ملی قلم داد می‌کرد که این می‌تواند هم به حذف استبداد و هم به حذف خرافات کمک کند و از این راه اخلاق اجتماعی را دگرگون کرد .

د) جریان مارکسیالیسم - طالبوف تبریزی

این جریان خود را از لحاظ سیاسی پیرو روش روسو ـ مونتسکیو می‌دانستند. و به گسترش آزادیهای اجتماعی اعتقاد داشتند و این ایده با ساختار استبدادی قاجار متضاد بود و هرگونه نماد روحانی یعنی دین را انکار می‌کرد . طالبوف که مدتها در قفقاز و در جمع سوسیالیستهای این منطقه زندگی کرده بود مانند آخوندزاده جهانبینی مادی داشت و به علوم تجربی اعتقاد

داشت از نظر این دو مذهب پدیده تاریخی واجتماعی است و فاقد منبع الهی . از طرف دیگر آنها انگلستان را عامل اصلی عقب افتادگی جوامع شرق می‌دانستند . آنها به نفی استبداد پرداخته و بر اساس نگرشهای مارکسیستی خود که از قفقاز فرا گرفته بودند (طالبوف) بر آن بودند که باید به مبارزه با استعمار پرداخت در حالی که آخوندزاده الگوی سلطنت مشروطه را به عنوان یک الگوی پاسخگو می‌دانست .

حوادث و رویدادهای مربوط به انقلاب مشروطیت

حادثه انتشار عکس میسو نُژ بلژیکی تا رضاشاه

اگرچه مبنای انقلاب مشروطیت را تحولات فکری در طی نزدیک به ۵۰ سال و شاید قبل از انقلاب فرانسه می‌دانند، که در جامعه ایران به وجود آمدند با این حال در عمل یک سری رویدادها که شکل عملی آن فضای فکری را منجر به یک حرکت سیاسی کردند. به عبارتی این مسئله که مبنای مشروطیت تحولات فکری بود کاملاً درست است اما برای آن که این تحولات فکری به حرکت سیاسی تبدیل شوند به یک سری رویدادها نیاز بود ما این رویداد ها را در قالب انقلاب مشروطه بحث می‌کنیم .

گام اول: در انقلاب مشروطه انتشار عکس میسونژ بلژیکی بود که این عکس فرد غیر مسلمان را در اجتماع سالیانه اروپائیان در تهران نشان می‌داد که با لباس روحانیت مشغول رقص و مشروب خوردن است ، این مسئله احساسات عمومی را به ویژه روحانیت را جریحه دار کرد، از این رو اعتراضات گسترده در جامعه بالا گرفت .

آیت الله بهبهانی از آیاتی همانند طباطبایی ـ نوری ـ زنجانی درخواست کمک کرد در این میان آیت الله طباطبایی به او ملحق شد اگر چه این دو در جنبش تنباکو با هم اختلاف داشتند ولی در واکنش به این حادثه دست به اتحاد زدند و به این اتحاد (سیدین صندن)می‌گویند .

بازرگانان در حمایت از آنها در حرم عبدالعظیم متحصن شدند و با دخالت نیروهای دولتی اعتراضات فروکش کرد.

گام دوم: اختلاف دو تن از علمای دینی با فرقه شیخیه در کرمان بود. حاکم کرمان مخالفین شیخیه را به چوب بست و تعدادی را هم تبعید کرد و این مسئله اعتراضات مردم علیه قاجاریه را دامن زد .

گام سوم: اعتراض علمای قم به سختگیرهای عسگر گاریچی در جاده قم بود. تا این مقطع اعتراضات مردم بیشتر به چهار مسئله بود .

۱- برداشتن میسونژ بلژیکی از اداره گمرکات کشور

۲- عزل علاالدوله حاکم تهران

۳- تنبیه عسگر گاریچی

۴- بازگرداندن روحانیون تبعید شده به کرمان

بنابراین مطالبات محدود بود از این زمان به تدریج مطالبات سیاسی مهمتری مطرح می‌شود.

گام چهارم: به جریانات مرتبط با ساخت ساختمان بانک استقراضی روسیه در قبرستانی در تهران بود . این مسئله باعث شد علمای مانند بهبهانی با حمایت مردم اعتراضات خود را مطرح کنند و با واکنش به آن ایده، مهاجرت به عبدالعظیم که مهاجرت صغری نام دارد از اینجا شروع شد . در جریان اعتراضات یکی از روحانیون به نام سید جواد واعظ اصفهانی با سخنان پرشور خود احساسات مردم را برانگیخت و تحت سخنان او مردم اقدام به تخریب ساختمان بانک نمودند و دولت هم عدم تأسیس بانک را پذیرفت .

گام پنجم: به چوب بستن تعدادی بازرگان ایرانی بود به جرم اینکه قیمت اجناس را بالا برده‌اند . در حالی که علت اصلی بالا رفتن قیمت اجناس جنگ روسیه با ژاپن و عدم صدور کالا از روسیه به ایران بود .

علاءالدوله حاکم تهران بازرگانان را عامل گرانی می‌دانست و آنان را اذیت می کـرد و ایـن همزمـان اسـت بـا گـسترش اعتراضات روحانیون و نهایتاً تقویت ایده مهاجرت به عبدالعظیم بود .

گام ششم: خود مهاجرت به حرم عبدالعظیم و اعتراض به مسائل بانک استقراضی روسیه و به چوب بستن بازرگانان بود . مردم به حرم عبدالعظیم مهاجرت کردند آنها به وسیله سفیر عثمانی هشت خواسته خود را از دولت درخواست کردند.

۱- برداشتن عسگر گاریچی
۲- بازگردانند علمای تبعیدی به کرمان
۳- بازگردانند سرپرستی مدرسه خان مروی به شیخ مرتضی
۴- تأسیس عدالت خانه در تمام شهرهای ایران برای جلوگیری از ستم گری
۵- اجرای قوانین اصلاحی برای تمام مردم
۶- عزل نژبلژیکی از اداره گمرکات
۷- عزل علاءالدوله از حکومت تهران
۸- عدم کاهش مستمریها که عین الدوله کاهش داده بود .

-علت مهاجرت صغری؛	- صدر اعظم در مهاجرت صغری عین الدوله
اعتراض به بانک استقراضی روسیه	- حاکم تهران در مهاجرت صغری علاءالدوله
و به چوب بستن بازرگانان توسط علاءالدوله	- شاه در مهاجرت صغری مظفرالدین شاه

پس از اعلام خواسته ها به مظفرالدین شاه ، او آنها را پذیرفت و علما هم با شکوه به تهران برگشتند . اما صـدراعظم خواسته های کم اهمیت مردم و علما را اجابت کرد و به مطالبات اصلی که همان تأسـیس عـدالت خانـه بـود ونیـز کنـار گذاشتن علاءالدوله بی توجهی کرد. و در مقابل به سختگیریها نسبت به علما افزوده شد . کشته شدن عبدالحمیـد زمینـه را برای اوج گیری مجدد اعتراضات فراهم کرد و بدین سان گام هفتم شکل گرفت .

گام هفتم: مداخله نیروهای عین الدوله به مسجد امام و کشته شدن عبدالحمید و نهایتاً مهاجرت کبری به قم

با ورود نیروهای عین الدوله به مسجد همه مردم در صدد فرار بودند که بهبهانی به طرف منبر رفت و فریاد زد که اینهـا با شما کاری ندارند اینها مرا می‌خواهند این سینه من است کجاست کسی که تیری خالی کند و مرا مانند اجدادم به شهادت رساند و بدین سان مردم و روحانیون نیرو گرفتند . با مداخله کامران میرزا نایب السلطنه از تشدید درگیرها جلوگیری شـد و علما با پیشنهاد طباطبایی به قم مهاجرت کردند و به مهاجرت کبری مشهور است (۳۰۰ تن از روحانیون)

با حرکت علما به قم بهبهانی نامه‌ای به سفیر انگلیس نوشت و از او خواست نگذارد مردم در تهـران مـورد اذیـت و آزار قـرار گیرند.

- علت مهاجرت کبری؛	- حاکم تهران در مهاجرت کبری علاءالدوله
کشتن شدن عبدالحمید به پیشنهاد طباطبایی	- صدراعظم در مهاجرت کبری عـین الدولـه وبعـد از او
مهاجرت به قم	مشیرالدوله
- شاه در مهاجرت کبری مظفرالدین شاه	

گام هشتم: حرکت مردم و بویژه بازرگانان به سفارت انگلستان برای درامان ماندن از نیروهای دولتی . سفارت انگلـستان ابتدا از مشیر الدوله درخواست کرد تا مانع ورود مردم به سفارت شود .اما مشیر الدوله از یک طرف حامی انقلابیون و از طرف دیگر خود را جانشین عین الدوله می‌دانست از اینرو اقدامی انجام نـداد و همـین مـسئله موجـب تحـسن بعـضی در سـفارت

انگلستان شد و این موجب نگرانی عین الدوله شد.

- تحت تأثیر مهاجرت قم و تحسن مردم در سفارت انگلستان عین الدوله دستور تنظیم آیین نامه عدالتی را صادر کرد . اما صدور آئین نامه عدالت خانه چندان مؤثر نبود و دیر بود و بنابراین می‌بینیم که مطالبات مردم به شدت افزایش پیدا می‌کند.

گام نهم: جنبش مشروطه خواهی به دیگر نقاط ایران سرایت می‌کند. شهرهای دیگر ایران وارد جنبش شده و یکی از مناطق عمده‌ای که سهم مهمی در جنبش مشروطه داشت . آذربایجان (تبریز) بود در این زمان محمدعلی میرزا ولی‌عهد ایران وحاکم تبریز بود . او به دلیل آنکه نسبت به عین الدوله صدراعظم بدبین بود و از طرفی دیگر احساس می‌کرد که او به دنبال آن است تا شجاع السلطنه دیگر پسر مظفرالدین شاه را به قدرت برساند و مانع از کسب مقام شاهنشاهی توسط محمدعلی میرزا بشود به همین دلیل به عنوان یک تاکتیک ونه به عنوان یک باور از مشروطه حمایت می‌کرد او در تبریز مردم را به شورش علیه شاه ترغیب می‌کرد و هم زمان در شهرهای دیگر اصفهان ، ساوه ، کرمانشاه ، به تدریج مشروطه خواهی اوج گرفت و حمایت خود را از مشروطه خواهان مهاجرت کرده به قم اعلام کردند در نتیجه این فشارها عین الدوله استعفا داد و همانطور که پیش بینی می‌شد مشیرالدوله جای او را گرفت.

در این شرایط از یک طرف سفارت انگلیس و از طرف دیگر خود مشیرالدوله خواسته‌های متحصنین در قم را با مظفرالدین شاه در میان گذاشتند و شاه نیز اساساً چهره‌ای ضعیف ، فاقد اراده و فاقد بینش بود . و بر این مبنا بدون آنکه تفسیری از مشروطه خواهی داشته باشد تقاضای آنها را پذیرفت و دستور تأسیس عدالت خانه را صادر کرد و آنگاه مشروطه خواهان از صدور این دستور استقبال نکردند و مجدداً شاه اعلام کرد :

اراده همایون ما تقویت مبنای دولت است و مسمم شد مجلس شورای ملی مرکب از شاهزادگان، علما ، قاجاریه، اعیان و اشراف، مالکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقه مرقومه شکل بگیرد و به دولت ما یاری دهند .

از درون این عبارت نه عدالت خانه بلکه مجلس شورای ملی بیرون می‌آمد واین چیزی بود که خواسته انقلابیون را تأمین می‌نمود . همزمان عضدالملک بزرگ خاندان ایل قاجار جهت بازگرداندن مهاجرین به قم رفت و آنها با احترامات ویژه به تهران بازگشتن .مجلس شواری ملی به دستور مظفرالدین شاه در زمان مشیرالدوله صدراعظم تأسیس شد.

گام دهم: مجلس شورای ملی تأسیس می‌گردد. ۵۰۰ نفر از علما ، شاهزادگان و غیره دعوت شدند و مجلس شکل گرفت که می‌توان آنرا شبیه مجلس مؤسسان قانون اساسی دانست و همگی از تهران بودند . و بدین سان مجلس اول در ایران افتتاح شد و مظفرالدین شاه هم ده روز بعد فوت کرد و محمدعلی میرزا جای او را گرفت. به پیشنهاد اعضاء نظام نامه‌ی انتخابات توسط اعضای مجلس اول طراحی شد. شاهزادگان ۴نفر ـ علما و طلاب ۴نفر ـ فلاحین ۱۰ نفر ـ تجار ۱۰ نفر ـ اصناف ۳۰ نفر ـ آذربایجان و خراسان هر کدام ۱۲نفر ـ مازندران و کرمان ۱۲نفر ـ قزوین ، سمنان ، دامغان ۶ نفر ـ فارس و بنا ۱۲نفر ـ خوزستان و لرستان ۱۲نفر ـ کرمانشاهان ۶ نفر ـ کردستان و همدان ۱۲نفر ـ اصفهان ۱۲نفر ـ اراک و ملایر ۶ نفر

نوع عضویت در مجلس به دو شکل بود در تهران بر مبنای پایگاه اجتماعی محاسبه می‌شد مثلاً طبقه‌ای که دارای عنوان بود مثل تجار می‌توانستند انتخاباتی طبقاتی داشته باشند.

اما در شهرستانها بر اساس جمعیت بود و اقلیتهای دینی نماینده‌ای نداشتند اما زرتشتیان چون خود را صاحبان اصلی ایران تلقی می‌کردند دارای یک نماینده شدند و بدین سان مجلس اول بر مبنای انتخاباتی که در سرتاسر ایران به شکلی که گفته شد برگزار شد تشکیل گردید .

اولین کاری که مجلس بر عهده گرفت تثبیت قانون اساسی بود اما سامان دهی به امور اداری مجلس را در الویت اداری خود قرار دادند.که بخش مهمی از وقت مجلس را به خود اختصاص می‌داد. اولین لایحه که به مجلس رفت و رأی نیاورد دریافت ۲۰

کرور تومان وام از روسیه و انگلستان بود . نمایندگان در رد این پیشنهاد تصمیم به تأسیس بانک ملی گرفتند تا از این طریق با دریافت سپردهای مردم به تقویت قدرت مالی دولت کمک کنند اما بحث تأسیس بانک ملی ایران تا زمان رضاشاه عملی نشد . ۵۰ نفر از نمایندگان مجلس، قانون اساسی را در ۵۰ اصل تدوین کردند و برای امضاء نزد مظفرالدین شاه بردند و این قانون در حالی که مظفرالدین شاه نفسهای آخرش را می‌کشید توسط او و ولیعهدش امضاء شد و نهایتاً ایران در میان کشورهای آسیایی تقریباً اولین کشوری بود که دارای قانون اساسی شد و بدین سان قدرت مطلقه پادشاه تحت کنترل قانون درآمد.

بجز تدوین قانون اساسی که امر بسیار مهمی بود مجلس شورای ملی اول چندان کارآمدی از خود نشان نداد و این به چند دلیل بود؛

۱- بین نمایندگان ودولت مردان سازگاری و سنخیت لازم وجود نداشت و به عبارتی دولت مردان که به خاندان بزرگ قاجاریه و یا از اعیان و اشراف با سابقه ایران تشکیل می‌شدند . نمی‌پذیرفتند که قوانین را که مجلسیان که عمدتاً از لایه های عادی جامعه بودند تدوین کرده‌اند را به اجرا درآورند مثلاً برای پادشاهی ایران غیرقابل قبول بود که قوانینی را که مجلس نشینانی مانند مشهدی باقربقال ، استاد حسن بنا ، ملاحسین دلال ، غلامرضا یخدان ساز ، حسین‌علی-سیگارفروش و علی‌اکبر پلوپز تصویب کرده‌اند بپذیرند.

۲- محمدعلی شاه علی رغم حمایتهای اولیه‌اش از مشروطه خواهان اساساً با مشروطیت مخالف بود او مشروطیت راتوطئه انگلیس می‌دانست و جایگاهی برای مجلس قائل نبود به شکلی که حتی در زمان تاج گذاری خود از نمایندگان مجلس دعوت به عمل نیاورد .

۳- در آن زمان قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلیس و روسیه منعقد شد این قرارداد به پیشنهاد فرانسویان بود و در جهت مقابله-علیه اوج گیری قدرت آلمانها و نزدیک کردن مواضع روسیه و انگلستان در مسائل ایران ، افغانستان و ترکیه امضاء شد . بازتاب قرارداد ۱۹۰۷ در ایران این بود انگلیسها از حمایتهای خود از مشروطه خواهان کاستن تا از این طریق روسها را راضی کنند تا در معادلات اروپا روسیه را در کنار خود داشته باشند بدین سان آنها دست محمدعلی شاه را در تضعیف مشروطیت باز گذاشتند .

۴- شاه ایران تصوری روشنی از مشروطیت در ذهن نداشت و نمی‌دانست مشروطیت یعنی محدود شدن پادشاه به قانون از این رو همواره با مشروطه خواهان که به دنبال اجرای قانون اساسی بودند می‌خواست تا در امورات مملکت مداخله نکنند بنابریان عدم درک مشروطیت توسط محمدعلی شاه واز این طریق محدود کردن نمایندگان به ضعف مجلس دامن می‌زد.

۵- اینکه در قانون اساسی مصوب مجلس اول سخنی از وظایف مردم نسبت به دولت و حقوق مردم در قبال دولت به میان نیامده بود در حالی که قانون اساسی عمدتاً یعنی تنظیم رابطه‌ی مردم و دولت، ولی می‌بینیم که در قانون اساسی صحبت از محدودیتهای پادشاه ، آزادیهای مردم و تفکیک قوا به میان نیامده بود . کمیسیونی مرکب از تعدادی از نمایندگان دولت مأمور تنظیم متمم قانون اساسی می‌شود و ۱۰۷ اصل دیگر را به قانون اساسی اضافه می‌نماید و برای امضاء در اختیار شاه قرار می‌دهد و شاه هم تحت فشار روحانیون آنرا امضاء می‌کند واز این زمان قانون قدرت شاه را که چهره‌ای خود رأی و به شدت مخالف مشروطه بود محدود کرد .

مشکلاتی که در مجلس اول وجود داشت یعنی همان مشکلات ۵گانه مجلسیان را وادار کرد تا متمم قانون اساسی را در جهت رفع مشکلات مردم تدوین کنند با تصویب و امضاء متمم قانون اساسی توسط شاه ، محمدعلی شاه خود را در شرایط بسیار محدودی می‌دید به خصوص چون صدراعظم مشیرالدوله چهره‌ای مشروطه خواه بود.

بنابراین عملاً برای قدرت خود محدودیتهای را می‌دید و دیگر مثل گذشته توانایی اجرای خواسته های خود را نداشت براین اساس بود که از یک چهره مخالف مشروطه به نام امین السلطان که در اروپا بود دعوت کرد تا سمت صدراعظمی ایران

را به جای مشیرالدوله بپذیرد.

امین السلطان معتقد بود که ایران ظرفیت مشروطیت را ندارد و بر آن بود که زمینه های شکل گیری مشروطه در ایران فراهم نشده است او پیش از آمدن به ایران تلاش کرد که از طرف طالبوف و ملکم‌خان توصیه نامه‌های را برای نمایندگان بفرستد و نمایندگان را به خود نزدیک نماید و بر این اساس بود که امین السلطان توانست به اکثریت نمایندگان نزدیک شود و در ابتدا نظرات آنها را جلب نماید اما به تدریج مشکلاتی بر سر راه او اجرا شد و او نهایتاً توسط شخصی به نام عباس آقا صراف آذربایجانی ترور شد .

این ترور تبدیل به یک موضوع مناقشه برانگیز در تاریخ ایران شد اما چه مشکلاتی پیش روی امین السلطان وجود داشت اولین مشکل او وجود گروهی تندرو از نمایندگان مجلس به نام تقی زاده بود که خصلتهای ضد مشروطه‌ای او را بر نمی‌تابیدند. دومین مسئله بدبینی محمدعلی شاه نسبت به امین السلطان بود چرا که امین السلطان چهره‌ای پرقدرت بود و محمدعلی شاه او را رقیب خود قلمداد می‌نمود از یک طرف ارتباط تنگاتنگی با مجلس داشت و نیز برداشتن کامران میرزا قاجار از سمت وزارت جنگ ایران که وفادار به محمدعلی شاه بود این تصور را در شاه ایجاد کرد که امین السلطان ممکن است که شاه را هم حذف کند.

یکی از موضوعات قابل بحث در این ایام مخالفتهای شیخ فضل الله نوری با مشروطیت بود مخالفتهای نوری با مشروطیت باعث شد تا علمای بزرگی همانند آخوندخراسانی ، عبدالله مازندرانی ، حاج میرزا خلیل ، حسن تهران ، از نجف در قالب فتوای بر علیه او موضع گیری کنند و ضمن حمایت از مشروطه خواهان اعلام کنند که اقدام نوری مخل آسایش عمومی است .

نوری اگرچه در جریان مهاجرت کبری با چند روز تأخیر به مهاجرین پیوسته بود اما در همان ابتدا بر اساس یک فهم خالص از دین با مشروطیت مخالف بود .

به گفته بعضی از منابع، دلایل مخالفت نوری با مشروطیت دلایل شخصی بود او با بهبهانی در تصاحب امور شرعی تهران رقابت داشت خود نوری زمانی که پای چوبه دار می‌رود می‌گوید نه من مرتجع بودم و نه سید محمد علی مشروطه خواه آنها فقط می‌خواستن مرا کنار بگذارند و الا میان من و آنها موضوع مشروطه نیست. در هر حال به هر دلیل شیخ فضل الله نوری در ردیف مخالفین مشروطه قرار گرفته بود و در یک اتحاد ناخواسته با محمدعلی شاه در صدد تضعیف جنبش مشروطیت برآمد او کانونی را هم بر علیه مشروطه تأسیس کرده بود در حرم عبدالعظیم گفته می‌شود که حتی اتابک هم از او دفاع می‌کرد .اتابک (امین‌السلطان) پیش از ترور، طرحی را برای نزدیک کردن شاه ـ نوری و مجلس آماده کرده بود، اما ترور او مجال عملی کردن آنرا نداد .

دو نکته در شرایط موجود به مجلس آسیب زد؛

الف) شرایط نامساعد داخلی یعنی عدم انسجام میان مجلس و شاه و اتابک و نوری

ب) اتحاد روسیه و انگلستان بر مبنای قرارداد ۱۹۰۷

شرایط داخلی و خارجی هر دو به زیان مجلس بود واین مسئله فرصت مناسبی را در اختیار محمدعلی شاه قرار داد تا مجلس را به توپ ببندد.

و بهانه‌ی اصلی به توپ بستن مجلس حادثه پرابهام ترور نافرجام شاه بود، که پس از آن با این تصور که مجلسیان طراح این ترور بودند مجلس منحل شد اما چون مجلسیان در مقابل انحلال مقاومت کردند محمدعلی شاه با بهره گیری از نیروهای قزاق مجلس را به توپ بست .

درحالیکه ساختمان مجلس در محاصره قزاقها بود نمایندگان در مجلس سنگر گرفتند . بعضی از افراد همانند بهبهانی - طباطبایی که بیرون از مجلس بودند با عبور از نیروهای نظامی داخل مجلس شدند اما با غرش توپهای ایلیا خف روسی در مجلس به شهادت رسیدند بسیاری دیگر به باغ امین الدوله گریختند و امین الدوله با گزارش آن به دربار موجب شد تا با حضور نیروهای قزاق بسیاری از آنها به شهادت برسند .